



دادرسی منصفانه در حقوق کیفری ایران با نگرشی بر حقوق جزای بین‌المللی

تالیف
مهناز نصرتی

انتشارات قانون‌یار

۱۳۹۶

سرشناسه	:	نصرتی، مهناز، ۱۳۵۰ -
عنوان قراردادی	:	ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	:	دادرسی منصفانه در حقوق کیفری ایران با نگرشی بر حقوق جزای بین‌المللی / تالیف مهناز نصرتی.
مشخصات نشر	:	تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	:	۲۰۰ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۹۰-۹
وضعیت فهرست نویسی	:	فینا
موضوع	:	دادرسی عادلانه
موضوع	:	Fair trial
موضوع	:	اجرای عدالت کیفری -- ایران
موضوع	:	Criminal justice, Administration of -- Iran
موضوع	:	آیین دادرسی جزایی -- ایران
موضوع	:	Criminal procedure -- Iran
موضوع	:	آیین دادرسی جزایی (حقوق بین‌الملل)
موضوع	:	(Criminal procedure (International law
رده بندی کنگره	:	KMH۳۳۵۱/۲۶ ن ۱۳۹۶
رده بندی دیویی	:	۵۵/۳۴۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۶۷۳۰۹۵

انتشارات قانون یار

دادرسی منصفانه در حقوق کیفری ایران با نگرشی بر

حقوق جزای بین‌المللی

تألیف: مهناز نصرتی

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: 978-600-8077-90-9

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۶۶۹۷۳۹۶۰ کتابفروشی رسولی (چراغ دانش سابق)

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۱	فصل اول
۱۱	کلیات (مفاهیم، مبانی، قلمرو و پیشینه دادرسی منصفانه)
۴۹	فصل دوم
۴۹	اصول حاکم بر دادرسی منصفانه در مقررات داخلی و حقوق بین‌المللی
۱۲۱	فصل سوم
۱۲۱	تضمینات تشکیل دهنده حق بر دادرسی منصفانه در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی
۱۹۳	فهرست منابع
۱۹۳	الف - کتب
۱۹۵	ب - مجلات و مقالات
۱۹۸	ج - پایان نامه ها
۱۹۹	د - منابع اینترنتی

مقدمه

مفاهیم دادرسی و عدالت ریشه در تمدن تاریخ بشری دارند. از قدیم الایام عدالت را صفت ذاتی دادرسی قلمداد می‌کردند و چگونگی رفتار منصفانه در دادرسی در کلیه نظامهای حقوقی بویژه نظام حقوقی اسلام مورد توجه بوده است. با این حال تغییر و تحول همه جانبه جوامع بشری و روابط حاکم بر آنها در اثر عطف توجه شایان به موازین حقوق بشر در دادرسی در سده‌های اخیر موجب شده که «حق دادرسی منصفانه» در اسناد و موازین بین‌المللی حقوق بشر، مورد توجه و تأکید بیشتر قرار گیرد و اصول و تضمینات آن در انواع دادرسی مطرح شود.

امروزه که از دنیا به عنوان دهکده جهانی نام می‌برند و هیچ حادثه و واقعه‌ای نمی‌تواند بی‌تاثیر در افکار عمومی سایر ملتها باشد، هماهنگی کشورها در اتخاذ تدابیری که به نحوی به اداره امور کشور مربوط می‌شود و مستقیم یا غیرمستقیم به حقوق بنیادین بشری افراد تحت قلمرو دولتها تاثیر می‌گذارند، بیش از پیش ضروری می‌نماید. یکی از این حقوق بنیادین حق بر دادرسی منصفانه با تمامی ارکان و لوازم آن است.

هر چند اصل حاکمیت دولتها، عدم مداخله سایر دولتها در اداره امور مملکتی خاصه قوه قضائیه را ایجاب می‌نماید اما مقوله حقوق طبیعی و امروزه حقوق بشر که انسانها از آن حیث که انسانند، از آن برخوردارند، رعایت حقوق برابر در تمام جهان و احقاق آن را در هر کشوری به قدری بدیهی می‌نماید که دولتها را بر سر جمع‌آوری و توافق بر سر حداقل‌های این حقوق به دور هم گردآورده و اعلامیه‌ها، کنوانسیون‌ها، اصول، رهنمودها و امثال آنها را می‌توان از دستاوردهای آن دانست.

با نگاهی به کنوانسیونها، میثاقها، بیانیه‌ها و اعلامیه‌های متعدد بین‌المللی در می‌یابیم که حتی در اموری که پیش از این در صلاحیت صرف حاکمیت دولتها بود، حداقل‌هایی در نظر گرفته شده است که دست دولتها را در اقتدار بی‌حد و حصر بسته است. پس با شرایطی که بر جهان بین‌الملل کنونی حاکم است، در می‌یابیم که پشت کردن به استانداردها و حداقل‌های بین‌المللی حقوق بشری در نظر گرفته شده برای رفتار با شهروندان و بی‌اعتنایی نسبت به آن جز انزوای بین‌المللی ثمری نخواهد داشت.



در میان کنوانسیونها و استانداردهای سازی‌ها، دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از نقش محوری و اهمیت به سزایی برخوردارند. با تحقق حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دولتهایی که به این میثاق می‌پیوندند، موظف و ملزم هستند که حقوق شناخته شده در آن را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیتشان بدون هیچ گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسبت یا سایر وضعیت‌ها، محترم شمرده و تضمین نمایند.

در اسناد بین‌المللی مختلف تأکید شده دولتهای عضو مکلفند این استانداردها را در نظام بین‌المللی جذب و وارد نظام ملی کنند. در همین زمینه دو تعهد به دولت تحمیل می‌شود، تعهد کلی خود دولت، **تعهد به رعایت (obligation to respect)** و **تعهد به تضمین (obligation to insure)** هم خود نقص نکند و هم از نقص آن جلوگیری کند. دولتهای عضو مکلفند وسیله مطمئن برای احقاق حق اشخاص که حقوق آنها نقض شده است را فراهم آورند.

حق بر دادرسی منصفانه از حقوق شناخته شده در سطح بین‌المللی است. در اغلب معاهده و کنوانسیونهای حقوق بشری به این حق و تضمین‌های آن اشاره شده است. مصادیق یک دادرسی منصفانه نه تنها در چارچوب دادرسی‌های مرسوم کشورها مورد نیاز می‌باشند بلکه این نیاز به طریق اولی و در جایگاهی وسیع‌تر، در ارتباط با دادگاههای نظامی همچون دادگاههای گوانتانامو و به طریق کلی تمامی دادگاههایی که خارج از اصول و قواعد مرتبط با تشکیلات قضایی حاکمه در یک کشور و یا یک منطقه ایجاد می‌گردند، احساس می‌شود.

اما چرا دادرسی منصفانه یا عادلانه اهمیت دارد؟ دادرسی منصفانه و ساز و کارهای نیل به آن از آن رو مورد توجه و اهمیت است که علاوه بر این که مانند سایر موازین حقوق بشری ناظر به برخی از حقوق انسانی چون حق دفاع است اما از سوی دیگر چتر حمایتی برای سایر حقوق بنیادین بشری نیز محسوب می‌شود. رعایت اصول دادرسی منصفانه موجب حفظ سایر حقوق انسانی مثل حق آزادی، حق رهایی از شکنجه، و امثال آنها در مقابل اقتدار و حاکمیت دولتها



خواهد بود. کلیه این موازین در راستای جلوگیری از استبداد قضائی و محدود کردن اقتدار سیستم قضائی در پیشگیری از جرم، تعقیب متهم، محاکمه و نهایتاً مجازات محکوم و به عبارتی اجرای عدالت در درون کشورهاست.

در نظام دادرسی کیفری اسلامی به عنوان نظامی مستقل و قائم به ذات، هرگز شیوه‌ها و روشهای دادرسی دوران باستان و قرون وسطی در اروپا و کشورهای معاصر آن دوران مورد تأیید نبوده است. این نظام دادرسی بخشی از کلیت نظام حقوق اسلام است که با ظهور رسالت حضرت رسول اکرم (ص) در قرن هفتم میلادی براساس منابع مربوط (کتاب، سنت، عقل و اجماع)، پیش بینی و مقرر شده است. اصول مقرر در نظام دادرسی کیفری اسلام با نظامهای موجود همزمان ظهور اسلام در قرن هفتم میلادی و حتی تا قرن هجدهم در اروپا و کشورهای معاصر، که از احکام مترقی اسلام پیروی نکرده‌اند، قابل مقایسه نیست. شکنجه متهم در قرون مزبور در اروپا، عادی و قانونی بوده است، در حالی که به موجب منابع و متون معتبر فقهی، اقدام ضدانسانی مذکور برخلاف دستور شریعت بوده و اقرار ناشی از شکنجه فاقد اعتبار شرعی است.

استفاده از روش غیرمعقول اوردالی در صورت تردید در صحت انتساب اتهام به متهم، فاقد مجوز در نظام دادرسی اسلام است و اصولاً جزء ادله اثبات دعوی در حقوق اسلام محسوب نمی‌شود.

همچنین اصولی از قبیل اصل بر خورداری متهم از فرضیه بی‌گناهی و تفسیر قوانین جزایی به نفع متهمان در صورت تردید در انتساب بزه به آنان، ۱۴ قرن قبل از آن در حقوق اسلام پیش بینی شده است. ملاحظه منابع و متون حقوق اسلام در روش قضائی و دیدگاههای امام علی (ع) بیانگر این است که ایشان قرن‌ها قبل از سیر تکاملی تحول دادرسی کیفری به این اصول پایبند و بلکه واضع آنها بوده است.

فصل اول

کلیات (مفاهیم، مبانی، قلمرو و پیشینه دادرسی منصفانه)

هدف از تدوین این فصل بیان مسائل مقدماتی و کلی در ارتباط با موضوع طرح یعنی: دادرسی منصفانه در حقوق کیفری ایران و بین‌المللی می‌باشد. در واقع می‌توان از آن به عنوان مدخل و دیباچه برای ورود به مطالب اصلی پایان‌نامه نام برد. از آنجائیکه برای بررسی علمی هر مقوله، بایستی مفاهیم و اصطلاحات کلیدی آن موضوع، شفاف و روشن گردد، به همین منظور در این فصل، برخی از اصطلاحاتی که ارتباط تنگاتنگ مفهومی و موضوعی با مسأله دادرسی منصفانه دارند را بررسی می‌کنیم.

مبحث اول - تبیین مفاهیم و چگونگی پیدایش دادرسی منصفانه

واقعیت آن است که دادرسی منصفانه در هیچ سند بین‌المللی تعریف نشده است و در اسناد مختلف فقط به ذکر مقتضیات تشکیل دهنده دادرسی منصفانه اکتفا شده است همچنین در حقوق داخلی ایران نیز تعریفی ارائه نگردیده است.^۱

«دادرسی منصفانه یکی از مهمترین ضرورت‌های جامعه دموکراتیک و محورهای پذیرفته شده جهانی حقوق انسانی است. حق‌ها و معیارهای زیادی باید رعایت شوند تا بتوان از وجود یا تحقق دادرسی منصفانه سخن به میان آورد».^۲

۱- یوسفی، ایمان، تحقیقات مقدماتی در آیین دادرسی کیفری (ایران، کامن‌لا، رومی-ژرمنی)، ص ۱۴۰



سه واژه «دادرسی»، «محاكمه» و «**Trial**» در اصطلاح حقوقی مترادف هستند. واژه «دادرسی» مرکب از دو کلمه «داد» و «رسی» است که نخستین آن به معنای عدل و انصاف و دومی به معنای رسیدن و رسیدگی کردن است. پس، دادرسی یعنی به داد کسی رسیدن یا به دادخواهی کسی رسیدگی کردن است.^۳ بنابراین واژه «دادرسی» خود به معنی رسیدگی به عدل و داد است و دادرسی منصفانه به نوعی تأکید مؤکد است.

کلمه **Trial** مصدر است که از **try** گرفته شده و یکی از معانی لغوی آن سنجش، آزمون و بررسی است، و در فرهنگ قضائی به مفهوم رسیدگی است که از همین معنا اقتباس شده است. در لغت هم برخی فرهنگ‌ها این کلمه را به معنای «رسیدگی رسمی به ادله در یک دادگاه قانونی، به وسیله قاضی و اغلب یک هیأت منصفه، برای تصمیم‌گیری راجع به این که آیا شخص متهم به یک جرم، مجرم است یا نه» معنی کردند. همان گونه که ملاحظه می‌شود، این تعریف ناظر بر رسیدگی کیفری است، لیکن موضوع محاکمه اعم از کیفری و غیر کیفری است. با نظر به این مفهوم عام می‌توان **Trial** را «رسیدگی قضائی» معنا کرد.

واژه منصفانه ترجمه کلمه «**Fair**» است، که در لغت به معنای «رفتار برابر و مطابق با قواعد و حقوق با هر شخص یا هر طرف» آمده است و نیز به معنای «معقول و عادلانه یا متناسب با شرایط» است، مانند آنجا که وصف معامله، سهم، دستمزد، قیمت و مانند آن واقع می‌شود. در ادبیات قضائی، این واژه‌ها به معنای داشتن وصف بی‌طرفی و درستی، آزادی از تعصب و جانبداری و نفع‌شخص، عادلانه، منصفانه، غیرجانبدارانه و برابری میان طرفین منازعه به کار برده می‌شود. این صفت در عبارت «دادرسی عادلانه» نیز بر همین معانی دلالت دارد.

حق دادرسی منصفانه یک نرم حقوق بشر بین‌المللی است که به منظور حمایت اشخاص در مقابل کاهش خودسرانه و غیرقانونی و آزادی‌های اساسی در نظر گرفته شده است که از برجسته‌ترین حقوق اساسی، از جمله حق حیات و آزادی‌های اساسی می‌باشد. حق دادرسی

۲- ضیایی فر، محمد حسن، «حق برخورداری از وکیل یا مشاور حقوقی در مرحله تحقیقات مقدماتی با تأکید بر رویه دیوان

اروپایی حقوق بشر»، ص ۴۱۹

۳- عمید، حسن، فرهنگ عمید، ص ۲۱۸۸



منصفانه به موجب ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که تصریح نموده: «هر شخص حق دارد از یک دادرسی منصفانه و علنی که توسط یک دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف که به موجب قانون تشکیل شده، برخوردار باشد». تضمین شده است. مقصود از دادرسی منصفانه، محاکمه بر مبنای عدالت است. با این توجیه دادرسی منصفانه تا قرون وسطی مصداق واقعی نداشت و تا این زمان، محاکمه افراد از حقوق پادشاهان بود که به وسیله حکام و روحانیون اجرا می‌شد، در این محاکمات، متهمان بی‌پناه به فجیع‌ترین طرق تحت شکنجه قرار می‌گرفتند تا بتوانند بی‌گناهی خود را در چنین شرایطی ثابت کنند.

بر طبق قواعد سالیکی اوردالی، دست متهم را در آب جوش قرار می‌دادند تا متهم پس از ماه‌ها شکنجه، اگر زنده بود، بی‌گناهی‌اش ثابت شود. گذاشتن اعضا و یا اندام شخص در روغن مذاب، فرو بردن در سرب یا فلز گداخته، امری عادی تلقی می‌گردید. انقلاب کبیر فرانسه طلیعه پایان دادن به این دادرسی‌های وحشیانه بود و عصر رنسانس زمان به چالش کشیدن قدرت و روحانیون کلیسا، هر روز قاعده جدیدی وضع و رسوم وحشیانه کهن منسوخ می‌شد. مبارزات مردم جهت کسب آزادی، بدون داشتن دادگستری نوین امکان‌پذیر نبود. دستگاه قضائی، بدون استقلال، خام و بیهوده بود. مبارزان راه آزادی به جدی ساختار قضائی راه‌دف گرفتند و انقلاب عظیم در دستگاه قضائی ایجاد شد. دادگستری نوین بر مبنای استقلال قضاوت و قوه قضائیه ایجاد شد. این حرکت انقلابی و عظیم تمام کار نبود بلکه باید هنوز قواعد جدیدی جهت حرمت انسان وضع می‌شد. جنایات ناشی از جنگ جهانی اول، ملل متحد را به وضع قواعدی جهت حفظ و حرمت انسان وادار نمود، اما این قاعده پراکنده نتوانست قواعدی جهان‌شمول را فراهم آورد.

آغاز جنگ جهانی دوم، شروع تجاوز وحشیانه به حقوق انسان‌ها به خصوص کشورهای اشغال شده از طرف دول متجاوز بود. جنگ جهانی دوم بالاخره در سال ۱۹۴۵ با پیروزی متفقین به پایان رسید. سال ۱۹۴۸ شروع پیروزی انسان‌های تحت ستم است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. اعلامیه‌ای که باید به خودسری‌ها و



تجاوزات حکام در سراسر جهان خط بطلان می‌کشید، چه این اعلامیه، مجموعه قواعد و مقررات جهان شمول است. در ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است:

«هر کس در تعیین حقوق و تعهدات خویش و هر گونه اتهام جزایی که به او وارد شود، با مساوات کامل حق برخورداری از دادرسی منصفانه و علنی را در دادگاه مستقل و بی‌طرف دارد». به دنبال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، اقدامات سازمان ملل در این زمینه با تصویب میثاق حقوق مدنی و سیاسی در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ تکمیل گردید. ماده ۱۴ این میثاق به بیان موازین دادرسی منصفانه پرداخته است. این ماده همراه با مواد ۷، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۵ میثاق، مجموعه ضوابط و اصول دادرسی منصفانه را تشکیل می‌دهد. معیارها و اصول دادرسی منصفانه در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی دیگر همانند کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون منع تبعیض نژادی، منشور آفریقایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و مجموعه مصوبات سازمان ملل در زمینه اصول اساسی نقش و کلا، استقلال قوه قضائیه تصریح و مورد شناسایی قرار گرفتند. لازم به ذکر است دولت ایران در ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ملحق گردیده، بر حسب ماده ۹ قانون مدنی، مقررات عهدی که جمهوری اسلامی ایران به آن ملحق گردیده در حکم قانون است. همچنین بند اول ماده ۱۶ کنوانسیون اروپایی، ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی، بند اول ماده ۲۰ اساسنامه یوگسلاوی، بند اول ماده ۱۹ اساسنامه روند، بند (۲) ماده ۶۴ و بند اول ماده ۶۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، به این موضوع اختصاص دارد.

گفتار اول - تعریف دادرسی منصفانه

برای ورود به پژوهش و بحث درباره دادرسی منصفانه، بیش از هر اقدامی بایستی با دقت و ظرافت کامل، تعریفی جامع و مانع از دادرسی منصفانه ارائه گردد.

بند اول - مفهوم دادرسی منصفانه در حقوق داخلی

دادرسی منصفانه و اصول آن یکی از موازین حقوق بشری به شمار می‌آید که مهم‌ترین هدفش برخورداری طرفین دعوی از موقعیت مساوی و برابر در روند دادرسی است. از این اصل با عنوان «برابری سلاحها» یاد می‌شود.



در اصل ۱۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این خصوص آمده است: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه صالح رجوع کند. همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد».

«دادرسی منصفانه مجموعه اصول و معیارهایی است که رعایت آن از سوی هر دادگاه و هر مرجعی که رأی صادر می‌کند لازم است تا از این طریق حقوق و آزادی‌های اشخاص تضمین شود. اصول علنی و حضوری بودن رسیدگی، اصل لزوم امکان تجدید نظرخواهی، اصل استقلال و بی‌طرفی مقام رسیدگی کننده واصل در دسترس بودن نهاد رسیدگی کننده و مواردی از این قبیل برای تضمین نتایج صحیح و همچنین حمایت از حقوق طرفین در نظر گرفته شده‌اند».^۵

قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در ق.آ.د.ک. مصوب (۱۳۹۲/۱۲/۴) از جمله مواد قانونی بدیعی که که پیش‌بینی نموده است. مواد ۱ تا ۷ می‌باشد که شامل تعریف دادرسی منصفانه می‌شود، و بنیان عدالت کیفری را برای معاصران و آیندگان پی‌ریزی می‌کند.

بند دوم - مفهوم دادرسی منصفانه در فقه

فقه امامیه، مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع حقوق ایران به شمار می‌رود و علاوه بر آنکه بخش مهمی از قوانین موجود در نظام حقوقی ایران مستقیماً از منابع فقهی و آراء فقها گرفته شده است، به موجب اصل ۴ قانون اساسی عدم مخالفت سایر قوانین با مقررات شرعی و ضوابط فقه امامیه باید از سوی شورای نگهبان احراز شود. بنابراین بسیاری از استانداردهای دادرسی موجود در نظام قضائی ایران برخاسته از منابع فقهی و ضوابط فقه امامیه در باب قضاء است.

در نظام دادرسی اسلامی که نظامی مستقل و مبتنی بر کرامت انسانی است، اصول انسانی حاکم بر دادرسی‌های کیفری با آغاز رسالت پیامبر گرامی اسلام در قرن ۷ میلادی ارائه شده است. «یکی از عوامل مؤثر تحقق «عدالت اجتماعی» که از دیدگاه قرآن مجید هدف اصلی رسالت پیامبران الهی تلقی شده است (سوره حدید، آیه ۲۵) تثبیت و توسعه «امنیت قضایی» در جامعه است».^۶

۵- هداوند، مهدی، مسلم، آفاقی طوق، دادگاههای اختصاصی اداری در پرتو اصول و آیین‌های دادرسی منصفانه، ص ۱۹

۶- مؤذن‌زادگان، حسنعلی، اصول دادرسی کیفری از دیدگاه امام علی(ع)، ص ۲۶



قضاوت در قرآن مجید در چند معنا به کار رفته که هر یک نوعی فیصله دادن و تمام کردن را معنی می‌دهد. مثل: سوره مریم که می‌فرماید: «و مرا هر کجا باشم برای جهانیان مایه برکت و رحمت گردانید و تا زنده‌ام به عبادت و نماز و زکات سفارش کرد».^۷

دکتر لنگرودی در تعریف قضاء از نظر لغوی می‌گوید:

«قضاء در لغت به معنی ختم و فراغ است».^۸

بند سوم - مفهوم دادرسی منصفانه در اسناد بین‌المللی

دادرسی منصفانه در اسناد بین‌المللی نیز مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر مواد (۸-۱۱)، میثاق مربوط به حقوق مدنی و سیاسی ماده (۱۴)، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مواد (۹ و ۸) به عنوان یکی از حقوق بشر لحاظ شده است. علی‌رغم این که تقریباً در تمام اسناد بین‌المللی مرتبط با دادرسی، بر عادلانه یا منصفانه بودن دادرسی تاکید شده، از آن به مفهوم تعریف نشده و فقط به ذکر مقتضیات و مؤلفه‌های آن اکتفا گردیده است.

گفتار دوم - مفهوم منصفانه بودن

«عادلانه یا منصفانه معادل واژه «Fair» به کار برده می‌شود، که در لغت به معنای «رفتار برابر و مطابق با قواعد و حقوق با هر شخص یا طرف» آمده است و نیز به معنای معقول و عادلانه یا متناسب با شرایط است».^۹ در ادبیات قضائی، این واژه به معنای داشتن وصف بی‌طرف و درستی، عادلانه، منصفانه و برابری میان طرفین منازعه، به کار برده می‌شود.

بند اول - عدالت

در تعریف عدالت گفته شده: «عدالت یعنی رعایت حقوق افراد و دادن حق به حق داران و عادل کسی است که حق هر کسی را به همان اندازه بدهد و این معنی هیچ ملازمه‌ای با مساوات ندارد».^{۱۰} یا اینکه «عدالت یعنی قراردادن هر چیز در جای خود و ظلم عبارت است از قراردادن اشیاء در غیر محل خود».^{۱۱}

۷- مریم ۳۱/

۸- لنگرودی، جعفر، ترمینولوژی حقوق، صص ۷ و ۵۴۷

۹- فضائی، مصطفی، دادرسی عادلانه در محاکمات بین‌المللی، ص ۴۹

۱۰- پور استاد، مجید، اصول و قواعد آیین دادرسی فراملی (ترجمه)، ص ۵۴



بند دوم - انصاف

از انصاف تعریف شده که:

«مجموع قواعدی است که در کنار قواعد اصلی حقوقی وجود دارد و به استناد متکی بودن بر اصول عالی و برتر اخلاقی می‌تواند قواعد حقوقی را لغو یا تخصیص دهد.»

مفهوم انصاف به عنوان معیاری در کنار قانون که آن را تعدیل یا تکمیل می‌کند، از زمان ارسطو شناخته شده بود.

همچنین گفته شده ارسطو انصاف را تعدیلی بر کلیت حقوق یا عدالت را برتر از عدالت قانونی می‌داند، به عقیده وی عدالت قانونی، به علت کلیتش نمی‌تواند همیشه و به طور کامل به تمام موارد ممکن جواب دهد قاعده حقوقی باید در اجرای موارد جزایی با مشکلاتی که پیش می‌آید منطبق شود و از خود انعطاف نشان دهد. لذا انصاف نظر به نقض قاعده حقوقی دارد ولی می‌خواهد در مقابل وقایع ممکن‌الحدوث مختلف، چنان منعطف شود که با وظیفه و هدفش منطبق شود. از طرف دیگر هر جا که قاعده‌ای وجود نداشته باشد می‌توان به نام انصاف از قاضی خواست قاعده جدیدی وضع کند.^{۱۱}

بند چهارم - مفهوم منصفانه بودن و رابطه آن با عدالت و انصاف

«انصاف و عدالت دو مفهوم اخلاقی است که به هم نزدیک و شبیه است و گاه نیز به جای هم به کار می‌رود ولی باید دانست که عدالت با حقوق ارتباط بیشتر دارد اما پیوند انصاف با اخلاق نزدیکتر است. عدالت حکم می‌کند که مدیون به عهد خود وفا کند ولی گاهی داوری انصاف این است که او را مهلت شایسته دهند یا از میزان طلب او بکاهند. پس در بیان مفهوم انصاف می‌توان گفت احساس مبهمی است از عدالت و در مقام اجرای قواعد حقوق در اشخاص بوجود می‌آید و وسیله تعدیل و متناسب کردن آن‌ها با موارد خاص می‌شود. انصاف چوبدستی عدالت است تا از لغزش آن بکاهد و بر سرعت و استواری گام‌هایش بیفزاید. شیفتگی حقوقدان در برابر قانون و



نگرانی او از بر هم خوردن نظم سالیان دراز سبب پنهان ماندن گرایش طبیعی انسان به انصاف بود.^{۱۲}

گفتار سوم - مفاهیم مشابه

در این بحث مفاهیمی که مشابه مفهوم دادرسی منصفانه است در چهار بند قید شده است که به ترتیب ارائه می‌گردد.

بند اول - آئین دادرسی

آئین دادرسی فرآیند قانونی یا تشریفات رسیدگی به اختلاف یا دعوی را مشخص می‌سازد و دادرسی منصفانه اصول و مواردی را شامل می‌شود که به عنوان معیارهایی در این آئین یا خارج از آن باید تضمین شود تا دادرسی منصفانه باشد. به رغم تقسیم آئین دادرسی به مدنی و کیفری به نظر می‌رسد دادرسی منصفانه با آئین دادرسی کیفری قرابت بیشتری داشته باشد، آئین دادرسی کیفری دربردارنده فرآیند رسیدگی به دعاوی کیفری در مراجع صالح است و مقررات آن همچون چتری از آغاز طرح شکایت یا تعقیب متهم تا پایان دادرسی، صدور رای و اجرای رای سایه گسترانیده است. محتوای مقررات آئین دادرسی کیفری دربردارنده حقوقی است که می‌تواند ضامن عدالت باشد و در نهایت منادی حقی تحت عنوان حق بر دادرسی منصفانه گردد.

بند دوم - امنیت قضائی

کلیه اقدامات حقوقی و قضائی از جمله احضار، دستگیری، بازداشت و محاکمه باید به موجب قانون باشد تا از این طریق امنیت قضائی تضمین گردد. امنیت قضائی اقتضای پیش بینی تضمیناتی برای اصحاب دعوا را دارد که این تضمینات همان اصول و معیارهای دادرسی منصفانه است. امنیت قضائی حقی است که برخورداری از آن مانع تعرض به اشخاص و آزادی های جسمانی اشخاص نظیر دستگیری یا بازداشت می‌شود.

به این ترتیب به نظر می‌رسد امنیت قضائی و دادرسی منصفانه دو مفهوم لازم و ملزوم باشند، از این نظر که حصول هریک مستلزم رعایت و تضمین دیگری است.^{۱۳}

۱۲- پوراستاد، مجید، پیشین، ص ۵۴

۱۳- حسینی، سیده لطیفه، بررسی مفهوم دادرسی عادلانه، ص ۶



بند سوم - آئین قانونی لازم

آئین قانونی لازم به معنای استانداردهای حقوقی ایجاد شده برای رفتار عادلانه با شهروندان است. رفتار عادلانه نتیجه تبعیه و پیش بینی قواعد و آئینهای قانونی است. بنابراین قواعد و مقرراتی از پیش تعیین شده باید موجود باشند که بتوان در نتیجه آن رفتار عادلانه را انتظار داشت. در چارچوب این اصطلاح است که اقدام خودسرانه غیر معقول، منع می شود و آزادی و امنیت انسانها محترم شمرده می شود. این مفهوم بر رعایت تشریفات قانونی در سلب آزادی افراد تاکید دارد و بر کل فرآیند دادرسی از جمله حق بر انتخاب و کیل، مواجهه با شهود و حق دفاع سیطره دارد.

بند چهارم - برابری و تساوی در مقابل قانون

به موجب مفهوم حاکمیت قانون، برابری همگان و تساوی آنها در برابر قانون مطرح می شود. مطابق ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر «همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایت قانون برخوردار باشند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید به طور تساوی از حمایت قانون بهر مند گردند. ماده ۲۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مقرر می دارد که کلیه اشخاص در مقابل قانون مساوی اند و بدون هیچگونه تبعیضی استحقاق حمایت بالسویه از قانون را دارند.^{۱۴}

همچنین به موجب بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این خصوص تصریح نموده است: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف شده است برای نیل به اهداف مذکور در اصل ۲ همه امکانات خود را برای تامین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون به کار برد». همچنین اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی بر تضمین حمایت قانونی افراد به عنوان یکی از مصادیق دادرسی منصفانه تاکید کرده است.

مبحث دوم - مبانی اسلامی و حقوقی دادرسی منصفانه

مبانی حقوق هر کشوری را مجموع عادات و رسوم و وظایف و تکالیفی تشکیل می دهد که به تدریج و طی قرون و اعصار در بین مردم آن کشور ریشه پیدا کرده و با بافت اجتماعی آن شکل